

گربه رقصانی انگلیس برای گشایش جبهه دوم علیه آلمان

در اولین جلسه عمومی چگونگی عملیات جنگی در مناطق مختلف مطرح شد و همه به یک آگاهی از وضع جبهه ها رسیدند. روزولت اوضاع نظامی آسیای جنوب شرقی را بصورت مختصر توضیح داد و سپس با تفصیل بیشتری درباره عملیات در منطقه برمه و نقشه های مربوط به آزادسازی بخش شمالی آن از اشغال ژاپنی ها صحبت کرد. او توضیح داد که همه این تدابیر بمنظور کمک رسانی به چین جنگ زده، افتتاح راه برمه و تحکیم مواضع پیش بینی شده است تا بتوان بلافاصله پس از شکست آلمان، از این مواضع به نیروهای ژاپن حمله کرد و آن را شکست داد. کمی هم در باره عملیات جنگی در اروپا توضیح داد. پس از روزولت استالین سخن گفت:

- در ارتباط با جنگ در اروپا، قبل از هر چیز می خواهم کمی در باره چگونگی عملیات از زمان تعرض آلمان ها در ماه ژوئیه به اینطرف حرف بزنم. شاید من زیاد وارد جزئیات بشوم، در اینصورت می توانم توضیحاتم را کوتاه کنم.
چرچیل فوراً پاسخ داد:

- کاملاً آماده شنیدن گفتنی های شما هستیم.
استالین ادامه داد:

- در ضمن باید بگویم که اخیراً خودمان هم برای تعرض تدارکاتی را دیده بودیم، اما آلمان ها پیشدستی کردند. البته چون خودمان را برای تعرض آماده کرده و نیروی زیادی جمع کرده بودیم، پس از دفع حمله آلمان ها توانستیم در اندک زمانی حمله را شروع کنیم. همینجا می خواهم بگویم که بر خلاف آنکه می گویند ما همه چیز را از قبل برنامه ریزی می کنیم، در این مورد برای خودمان هم موفقیت های ماه های اوت و سپتامبر غیر مترقبه بود. بر خلاف انتظار ما، آلمان ها ضعیف تر از آنچه تصور کرده بودیم از آب درآمدند. مطابق گزارش سازمان اطلاعاتی ما، اکنون آلمان ها درجبهه ما جمعاً ۲۶۰ لشکر دارند که ۱۰ لشکر مجاری است، ۲۰ لشکر فنلاندی، ۱۶ تا ۱۸ لشکر رومانی.

روزولت پرسید:

- هر لشکر آلمانی چند نفر است؟

استالین با دقت پاسخ داد:

- یک لشکر آلمانی با قوای کمکی قریب ۱۲ تا ۱۳ هزار نفر است. در مقابل آنها، ما ۳۰۰ تا ۳۳۰ لشکر در جبهه ها داریم که مشغول جنگ اند. این مازاد نیرو را ما معمولاً برای عملیات تعرضی بکار می گیریم، اما با توسعه تعرض، این برتری رو به کاهش می رود. اشکال بزرگ آنست که آلمانی ها هنگام عقب نشینی همه چیز را نیست و نابود می کنند. به همین دلیل رساندن مهمات به جبهه ها برای ما دشوار می شود و به همین دلیل تعرض ما با کندی صورت می گیرد. طی سه هفته اخیر آلمانی ها در اوکراین و در جنوب و غرب کیف دست به عملیات تعرضی گسترده زده اند. آنها توانسته اند یک منطقه مهم و گرهی در شبکه راه آهن ما را تصرف کنند. شاید در روزهای آینده بتوانند "کروستن" که آن هم یک نقطه گرهی و مهم دیگر در شبکه راه آهن ماست را هم تصرف کنند. در آن ناحیه آلمانی ها ۵ لشکر تانک و ۲۲

الی ۲۳ لشکر پیاده نظام و موتوریزه دارند. هدفشان عبارتست از تسخیر دوباره کیف پایتخت اوکراین. اگر چنین موفقیتی بدست آورند، آنوقت ما با اشکالات جدیدی مواجه خواهیم شد. بنابراین سرعت ورود متحدین به جبهه های جنگ در شمال و یا شمال غربی فرانسه بسیار اهمیت دارد.

چرچیل پس از استالین شروع به صحبت کرد. او فوراً نقشه های انگلیس و امریکا در مورد پیاده کردن نیرو در فرانسه و افتتاح جبهه دوم در اروپا را مطرح کرد. نخست وزیر انگلیس از همه چیز می گفت مگر افتتاح جبهه دوم که استالین اهمیت گشوده شدن آن در شمال و یا شمال غرب فرانسه و کاهش فشار سنگین آلمانی ها روی کیف را در سخنان خود تشریح کرده بود. او از اعلام زمان گشایش این جبهه طفره رفت. از اهمیت عملیات در شرق مدیترانه با ورود بعدی به شبه جزیره بالکان و پیشروی به سوی شمال شرقی برای قطع حرکت ارتش شوروی به سمت غرب تکیه می کرد. در واقع چرچیل هر بار که رشته سخن را بدست می گرفت، همین فکر را توسعه می داد و از گشایش جبهه دوم در فرانسه طفره می رفت.

پس از تبادل اطلاعات پیرامون اوضاع جبهه ها، سران هیات ها قرار گذاشتند بحث پیرامون جبهه دوم را به کارشناسان نظامی واگذار کنند و خود روز بعد، یعنی ۲۹ نوامبر جلسه ویژه را تشکیل دهند.

جلسه مشاوره کارشناسان

در این جلسه از طرف هیات نمایندگی امریکا دریاسالار "لگی" و ژنرال "مارشال"، از طرف انگلیس ژنرال "بروک" و سرمارشال نیروی هوایی "پورتال" و از طرف شوروی گروهی به ریاست مارشال "وروشیلف" حضور داشتند. من نیز بعنوان مترجم حضور داشتم. جلسه مشاوره را دریاسالار لگی که از او تقاضا شده بود ریاست جلسه را برعهده داشته باشد افتتاح کرد. لگی به ژنرال بروک انگلیسی پیشنهاد کرد گزارشی درباره میدان عملیات جنگی مدیترانه بدهد.

بروک همان طفره رفتن چرچیل در جلسه سران را در جلسه مشاوران نظامی دنبال کرده و اعلام کرد که مهم ترین وظیفه انگلیس و امریکا آنست که هر جا ممکن باشد دشمن را تحت فشار قرار بدهند. درعین حال آنها باید بکوشند راه بر روی سیلی از لشکرهای آلمانی که ممکن بود به شمال فرانسه سرازیر شود را سد کنند، زیرا افزایش شمار آنها در آن منطقه خطرناک است. بروک حرفش را ادامه داده و گفت که بدیهی است عملیات "اورلرد" (پیاده کردن نیرو در شمال فرانسه) دست و پای بسیاری از لشکرهای آلمانی را خواهد بست، اما تنها ۶ ماه بعد این امر ممکن خواهد شد. او یادآور شد که انگلیس مایل است از نیروئی که در دریای مدیترانه دارد حداکثر استفاده را بکند.

ژنرال بریتانیائی فکر را توسعه داده و گفت که در نقشه های تدوینی انگلیس و امریکا عملیات فعال در تمام جبهه ها، از جمله در منطقه دریای مدیترانه پیش بینی شده است. انگلیس قایق های مخصوص دارد که قابل استفاده برای عملیات در آن منطقه است. فقط لازم است "اورلرد" به زمانی که ناوهای دسانت در دریای مدیترانه مورد استفاده قرار گیرد موکول گردد. انجام این عملیات می تواند نیروی آلمانی را سرگرم کند، اما اگر چنین نشود آلمانی ها این نیرو را علیه "اورلرد" بکار خواهند برد.

سپس بروک انواع عملیات را برای انحراف نیروی آلمانی در هنگام پیاده شدن متحدین در شمال فرانسه مورد بررسی قرار داد و از اشکالات مربوط به انتقال نیروی تازه نفس از راه دریا برای کمک به این و آن گروه بندی صحبت کرد. او توضیح داد که تکمیل بموقع هر نوع دسانت کمکی با نیروهای تازه نفس کار ساده ای نخواهد بود، اما از همه امکانات در این

زمینه باید استفاده کرد تا آلمانی ها نتوانند به نیروی خود بیافزایند، بویژه زمانی که نیروی پیاده شده متحدین هنوز باندازه کافی نباشد.

ژنرال مارشال که پس از بروک سخن می گفت به موضوع ناوهای دسانت پرداخت که به گمان وی بصورت حاد مطرح است. قبل از هرچیز منظور از ناوهای قابل حمل تانک و نیروی موتوریزه بود. کمبود همین نوع ناو از نظر انجام موفقیت آمیز بودن عملیات در دریای مدیترانه احساس می شد. ارجحیت عمل "اورلرد" در آن بود که کوتاه ترین فاصله انتقال نیرو را در لحظه آغازین در نظر داشت. در آینده بنا بود نیرو مستقیما از ایالات متحده، جمعا حدود ۶۰ لشکر امریکائی به فرانسه اعزام شود.

ژنرال مارشال ادامه داد: اکنون موضوع اینجاست که چه اقداماتی باید در سه ماه آینده و مطابق با آنها، در شش ماه آینده انجام داد. پیاده کردن نیرو در جنوب فرانسه دو ماه قبل از عملیات "اورلرد" کار بسیار خطرناکی است. ولی درعین حال این هم کاملا درست است که عمل در جنوب فرانسه به موفقیت "اورلرد" کمک خواهد کرد. بنابراین لازم است دو سه هفته قبل از افتتاح جبهه دوم، در نورماندی، در جنوب فرانسه نیرو پیاده کرد. لازم است به این نکته توجه شود که عملیات آلمانی ها در زمینه ویران ساختن همه بنادر مانع قابل ملاحظه ای در راه عملیات متحدین خواهد بود. لازم است تدارکات ارتش از طریق کرانه باز طی مدت طولانی صورت گیرد. درخاتمه، ژنرال مارشال بار دیگر متذکر شد که امریکائی ها نه از نظر کمبود نیرو و تدارکات، بلکه از نظر کمبود ناوهای دسانت با اشکال مواجه اند.

بدین ترتیب ژنرال مارشال با وجودی که نقشه های انگلیس را مبنی بر گسترش عملیات متحدین در منطقه مدیترانه رد نکرد، ولی توضیح داد که کمبود وسائل دسانت در صورتی که این نقشه ها عملی شود به تاخیر قابل ملاحظه ای در عملیات "اورلرد" منجر خواهد شد. ورشلیف که استدلال های بروک و مارشال را با دقت گوش می داد، ترجیح داد نظر خود را بعدا اعلام کند. او، دراین مرحله فقط از کارشناسان غربی خواست تا اطلاعاتی در باره عملیات هوائی ارائه بدهند.

"پورتال" مارشال نیروی هوائی انگلستان گفت که حمله های هوائی به آلمان تا آن زمان بطور عمده از خاک انگلستان صورت گرفته است، ولی اکنون وقت آنست که از منطقه دریای مدیترانه نیز حمله هوائی آغاز شود. با این تذکر که مبارزه ای سخت در پیش است، اظهار عقیده کرد که نقشه انگلیس و امریکا مبنی بر نابودی نیروی هوائی آلمان بهر صورت به موفقیت خواهد انجامید. دشمن نسبت به حملات هوائی گسترده، بویژه به جنوب آلمان که از منطقه دریای مدیترانه صورت خواهد گرفت بسیار حساسیت دارد. ما بخوبی آگاهی داریم که نیروی هوائی شوروی تقریبا به تمامی در نیردهای جبهه زمینی درگیر است ولی خوب بود اگر فرماندهی شوروی تعدادی جنگنده برای بمباران شرق آلمان می فرستاد. این امر اثر خوبی بر وضع سایر جبهه ها خواهد داشت.

سپس دریاسالار لگی نظر مارشال و ورشلیف را دراین زمینه سؤال کرد. ورشلیف بالاخره سکوت را شکست و گفت:

- قبل از همه من می خواستم دو سؤال مطرح کنم. یکی اینکه برای حل مسئله وسائل نقلیه و دسانت چه اقداماتی شده و دیگر آنکه آیا به عملیات "اورلرد" اولویت داده می شود یا خیر؟ از سخنرانی مارشال چنین بر می آید که امریکائی ها عملیات "اورلرد" را عمده می دانند، اما ژنرال بروک. آیا ایشان نیز بعنوان رئیس ستاد کل ارتش بریتانیا این عملیات را عمده میداند؟ آیا بعقیده وی نمی شود بجای آن عملیات دیگری را در منطقه مدیترانه و یا جای دیگری در نظر گرفت؟

ژنرال مارشال در پاسخ به ورشلیف گفت:

- تا آنجا که به ایالات متحده مربوط است ما هر چه از دستمان بر می آمد انجام دادیم تا تدارکات لازم تا لحظه شروع عملیات "اورلرد" انجام شود. بویژه کشتی های باری دسانت در حال تدارک است که هر یک ظرفیت حمل ۴۰ تانک را دارد.

برای مدتی همه در سکوت فرو رفتند و سپس ژنرال بروک گفت:

- قبل از هر چیز مایلم جواب سؤال مارشال وروشیلف را بدهم که می خواست بداند انگلیسی ها چه برداشتی از عملیات "اورلرد" دارند. انگلیسی ها اهمیت بسیاری به این عملیات میدهند و آن را جزء مهمی از جنگ تلقی می کنند، اما برای موفقیت آن مقدمات معینی باید وجود داشته باشد که نگذارد آلمانی ها از جاده های عالی شمال فرانسه برای انتقال نیروهای تازه نفس استفاده کنند.

بدین ترتیب، بروک بدون آنکه جواب مستقیم سؤال وروشیلف درباره اینکه "انگلیسی ها عملیات "اورلرد" را عمده تلقی می کنند یا نه؟" را بدهد به تفصیل شروع کرد به این اظهار نظر که فرماندهی بریتانیا باید بداند که مقدمات لازم برای پیاده کردن نیرو از طریق لامانش در سال ۱۹۴۴ فراهم می آید یا خیر و لذا انگلیسی ها تدارک می بینند تا در اوائل سال آینده این عملیات را انجام دهند. اما اشکال کار در ناوهای مخصوص دسانت است. برای آمادگی آنها تا ماه مه ۱۹۴۴ هم اکنون لازم است بیشتر ناوهای دسانت از دریای مدیترانه فرا خوانده شوند که این امر باعث متوقف شدن عملیات در ایتالیا می شود و این در شرایطی است که انگلیسی ها می خواهند در ایتالیا تعداد هرچه بیشتر لشکرهای آلمانی را در نبردها درگیر نگه دارند. این امر نه تنها از نظر انحراف نیروی آلمانی از جبهه روسیه، بلکه از نظر موفقیت آینده "اورلرد" نیز اهمیت دارد. بهمین جهت است که هم اکنون نمی شود تمام کوشش را روی تدارک "اورلرد" متمرکز کرد. لذا مشکل بتوان گفت مداخله در شمال فرانسه چه زمانی آغاز خواهد شد.

در خاتمه ژنرال بروک به اشکالات مربوط به ایجاد بنادر شناور موقت اشاره کرد و توضیح داد که در این زمینه آزمایشاتی در جریان است که بعضی از آنها چندان موفقیتی نداشته، اگرچه بطور کلی موفقیت هائی نیز بدست آمده است. بدین ترتیب ژنرال بروک علاوه بر اشکالاتی که انگلیسی ها تا آن لحظه مطرح کرده بودند، یک مانع تازه نیز بر سر راه گشایش بموقع "اورلرد" اضافه کرد.

این توضیحات خواه نا خواه مارشال وروشیلف را قانع نکرد و او سؤال خود را بار دیگر تکرار کرد:

- من می خواهم بدانم آیا انگلیسی ها عملیات "اورلرد" را عمده می دانند یا خیر؟
ژنرال انگلیسی باز هم از پاسخ مستقیم طفره رفت و گفت:

- من منتظر این سؤال بودم و باید خاطرنشان کنم که نمی خواهم عملیات چه در شمال و چه در جنوب فرانسه با شکست روبرو شود. در شرایط نامناسب، این عملیات محکوم به شکست است.

وروشیلف که نتوانسته بود پاسخ مستقیم از دهان انگلیسی ها بشنود، به تشریح نقطه نظرات شوروی پرداخت.

او اعلامیه روز گذشته هیات شوروی در اجلاس عمومی کنفرانس را یادآوری کرد که در آن تاکید شده بود ستاد کل ارتش شوروی عملیات در منطقه مدیترانه را در درجه دوم اهمیت تلقی می کند و لازم می داند فقط آنگونه عملیاتی در جنوب فرانسه انجام شود که برای موفقیت "اورلرد" زمینه ساز شود. وروشیلف گفت:

- تجربه جنگی، ضربات نیروی هوایی انگلیس و امریکا بر آلمان درجه سازمانی نیروی ایالات متحده و پادشاهی متحد، وسائل فنی نیرومند ایالات متحده، قدرت دریائی متحدین و بویژه تسلط آنها بر دریای مدیترانه، همه اینها نشان میدهد که اگر

عزمی در میان باشد "اورلرد" می تواند با موفقیت انجام شود. تنها اراده قوی در این امر لازم است.

سپس وروشیلف یادآوری کرد که پیشنهادات طرف شوروی عبارت از آنست که عملیات از طریق لامانش توسط عملیات نیروی متحدین در جنوب فرانسه تقویت شود. برای رسیدن به این هدف نیز درایتالیا می توان عملیات تدافعی را آغاز کرد و نیروی آزاده شده را در جنوب فرانسه پیاده کرد تا ضربه از دو طرف بر دشمن وارد شود. پیاده کردن این نیرو می تواند دو تا سه ماه جلوتر، یا بطور همزمان و یا کمی پس از عملیات "اورلرد" صورت گیرد. ولی حتما باید صورت گیرد. وروشیلف ادامه داد:

- ما عملیات از طریق لامانش را یک عملیات سخت می دانیم. ما آگاه هستیم که این عملیات سخت تر از عبور از رودخانه هاست ولی بر پایه تجربه خود در عبور از رودخانه های بزرگی مانند دنپر، دسنا، سوژ که ساحل راست آنها مرتفع و توسط آلمانی ها بخوبی تقویت شده بود می توانم بگویم که عملیات از طریق لامانش در صورتیکه با جدیت دنبال شود به موفقیت خواهد رسید. در ساحل راست رودخانه های مذکور، آلمان ها استحکامات جدیدی از بتون مسلح ساخته و توپخانه نیرومندی در آنجا مستقر کرده بودند و می توانستند ساحل چپ پائین را تا فاصله زیاد هدف قرار دهند و مانع رسیدن نیروی ما به روخانه شوند. با این وجود، پس از آتش متمرکز توپخانه و خمپاره اندازها، پس از ضربات نیرومند نیروی هوایی، نیروی ما توانست از این رودخانه عبور کند و دشمن شکست خورد.

وروشیلف در پایان سخنانش گفت:

- بنابراین من اطمینان دارم که عملیات "اورلرد" اگر خوب تدارک دیده شود و مهمتر از همه، حمایت نیروی هوایی قوی برای آن تدارک دیده شود به موفقیت کامل خواهد انجامید. بدیهی است نیروی هوایی متحدین باید قبل از شروع عملیات نیروی زمینی تسلط کامل خود بر هوا را تامین کند.

ژنرال بروک در جواب وروشیلف با لحنی مسالمت آمیز گفت که انگلیس و امریکا عملیات در دریای مدیترانه را در درجه دوم اهمیت قرار میدهند، اما چون نیروی مهمی در آنجا مستقر است عملیات در آنجا می تواند و باید انجام شود تا به عملیات عمده کمک کند. این عملیات با تمامی جریان جنگ و بویژه با موفقیت عملیات جنگی در شمال فرانسه ارتباط نزدیک دارد.

سپس بروک مسئله عبور از موانع آبی را مطرح کرد. او گفت که انگلیس ها با علاقه و تحسین تمام عبور ارتش شوروی از رودخانه ها را دنبال می کردند. ما شاهد موفقیت های بزرگ روس ها در عملیات پیاده کردن نیرو بودیم ولی عملیات از طریق لامانش مستلزم وسائل ویژه و تدارک جزئیات بیشتری است. اشکال بزرگ آنست که ساحل فرانسه کم شیب است و پایاب وسیع آنجا وجود دارد. بنابراین در بسیاری جاها ناوها نمی توانند به ساحل نزدیک شوند.

ژنرال مارشال نیز به اشکالات مربوط به پیاده کردن نیرو در شمال فرانسه اشاره کرد. او با خوشبینی وروشیلف نسبت به عبور نیرو از لامانش مخالفت کرد. مارشال گفت زمانی وی در زمینه عملیات زمینی و عبور از رودخانه ها تعلیم دیده اما وقتی با عملیات عبور از اقیانوس مواجه شد مجبور به تجدید تعلیمات شد. بنابراین اگر ناکامی در عبور از رودخانه بتواند به معنای عدم موفقیت تلقی شود، عدم موفقیت در عبور نیرو از اقیانوس به معنای فاجعه است.

وروشیلف با حرف مارشال مخالفت کرد. او استدلال کرد:

- ماهیت عمده عملیاتی مانند "اورلرد" عبارت از سازمان، برنامه ریزی و تاکتیک دقیق. اگر تاکتیک با هدف سازگار باشد، حتی عدم موفقیت واحدهای پیشرو، در حد همان عدم موفقیت است و نه فاجعه. نیروی هوایی باید بر فضای هوایی تسلط پیدا کند

و توپخانه دشمن را سرکوب کند. پس از آتش شدید توپخانه واحدهای پیشرو جلو میروند و اگر توانستند موقعیت جدید خود را تثبیت کنند و دورنمای پیروزی جدید را حدس بزنند واحد اصلی می تواند در آنسو پیاده شود.

هیچ نتیجه ای از این بحث بدست نیامد. طرفین عقاید خود را حفظ کردند. کارشناسان نظامی نه تنها پیرامون مسئله عملیات پیاده کردن نیرو به توافق نظر نرسیدند، بلکه مسئله مهم گشایش جبهه دوم در شمال فرانسه که خواست فوری استالین بود حل نشده باقی ماند. به همین دلیل، وقتی بعد از ظهر جلسه عمومی هیات های نمایندگی سه قدرت تشکیل شد، نمایندگان نظامی نتوانستند هیچ گزارشی از پیشرفت گفتگوها ارائه بدهند.